

و برگ‌ریزان عیش، شکوفه تازه بیرون می‌آورد. به گفته خود استاد، اگر چه نباید تصور کرد که ایشان شاعری را از سر گرفته، از بخت نیک ماست که ذوق شعری‌شان دوباره گل داده است. بازگشت به شعرش حالت «بهار در پاییز» دارد. رباعیاتی که محصول هوای آزادند، به هر معنا، در زیر آسمان آبی، طی سه چهار سال منتهی به ۱۳۸۴. کتاب «بهار در پاییز» از اسلامی ندوشن سفینه هفتاد و هفت رباعی همراه با لوح فشرده با صدای سراینده، اهل ادب را چشم‌نواز و گوش‌نواز است. ثمره ساعت‌هایی که به هنگام قدم زدن‌های روزانه در پارک‌ها داشته است؛ زاینده‌دمی خلوت با خود که پل والری شاعر فرانسوی این خود را «همدم دلیند خاموشی من» می‌خواند. (ر.ک. اسلامی ندوشن، ۱۳۸۸: ۱۳ - ۱۲).

بگذشت بهار و مهرگان گشت پدید
دیگر باید ز سر بگسست امید
اکنون که درخت عمر لرزید چو بید
باری بشنو نصیحت از موی سپید

گفتیم و شنیدیم و خبر هیچ نبود
وان عمر به سر رسید در گفت‌وشنود
وان گفت و شنود ره به جایی نگشود
چون آن صنم راه‌گشا رخ نمود

هرچند که زندگی به گفتن گذرد
آن حرف بزرگ در نهفتن گذرد
پویدن‌ها به نارسیدن ماند
بیداری‌ها به سان خفتن گذرد

البرز ز برف، کوه سیمین شده است
تهران به هزار جلوه آدین شده است
هرچند که چون دو روز دیگر گذرد
بینی که همان عجز پیشین شده است

منابع

۱. پارسانسب، محمد و دیگران. (۱۳۸۲). زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی (درس مشترک کلیه رشته‌ها). چ ۹. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۸). بهار در پاییز: چ ۱. تهران: یزد.

بهار در پاییز

علی اصغر فیروزنیا

بجنورد

در کتاب فارسی پیش‌دانشگاهی (عمومی) چنین آمده است:
«دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. در نیمه دوم دهه بیست با انتشار دو مجموعه شعر به نام‌های «گناه» و «چشمه» شاعر شناخته شد اما به زودی از شعر گسست و به نثر پیوست» (پارسانسب و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۰).
در صورتی که باید این نکته را افزود که خوشبختانه شاخه ذوق ایشان، به قول سعدالدین وراوینی در خزان عمر